

سنخ‌شناسی نگرش خبرگان قانون اساسی سال ۱۳۵۸ به رسانه‌های جمعی

علی دارابی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۴

علی اکبر گرجی ازندریانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۴

چکیده

حقوقها و آزادی‌های مطبوعاتی و انتشار رسانه‌ها جزئی از حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی عصری ساختاری و بنیادین قلمداد می‌شود. قانون اساسی مشروطه برای نخستین بار در تاریخ این سرزمین حقوق مطبوعات را به رسمیت شناخت. خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز همین حقوق را در قانون اساسی نوین با افتراق‌هایی جزئی گنجانده‌اند. نویسندگان و مقننان اساسی چهار اصل را به حقوق و منزلت مطبوعات و رسانه‌های گروهی اختصاص دادند. پرسش اصلی در این مقاله این است: جایگاه و حقوق رسانه‌ها در قوه مؤسسان نوین، از منظر خبرگان قانون اساسی چه ارزش و ارجی داشته است؟ به عبارتی بهتر، قانون‌گذاران اساسی در مقطع ۱۳۵۸ چه نگرش‌ها یا دیدگاه‌هایی درباره رسانه‌ها داشته‌اند؟ نگارندگان با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، پس از بررسی مبانی تئوریک حقوق و جایگاه رسانه‌ها در جهان امروز، هفت نوع نگرش را از درون مشروح مذاکرات قانون اساسی استخراج و تبیین نموده‌اند: نگرش ابزارگرای سودمند، تحدیدگرا، راهبرددگرا، جرم‌انگارانه، نظارتی، تلفیقی و دو نوع نگرش حق‌گرا. نویسندگان، با توضیح مختصر مفهوم هر نگرش، مذاکرات و دیدگاه‌هایی را که درباره اصول مذکور در مجلس خبرگان قانون اساسی مطرح شده بود، به بررسی و طیف‌بندی گذاشته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از این است که علاوه بر آن که در مشروح مذاکرات رسانه‌ها مبتنی بر حقوق اساسی امروز قلمداد شدند، ماهیت دینی و انقلابی نظام حقوقی - سیاسی جدید، سبب شد، رسانه‌ها واجد ویژگی ارزشی و اخلاقی نیز باشند. همچنین، در مجلس خبرگان قانون اساسی به نهاد مطبوعات و رسانه اهمیت و ارج بسیاری داده شد، لکن تنها کلیت مطبوعات مورد بحث و گفتگو بود و به حقوق روزنامه‌نگاران و اهالی رسانه اشاره ویژه‌ای نشد.

واژگان کلیدی: مطبوعات، رسانه‌های گروهی، خبرگان قانون اساسی، مشروح مذاکرات.

^۱ کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول). ali66.daraee93@gmail.com

^۲ دانشیار حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی. gorji110@yahoo.ir

مقدمه

برای نخستین بار قانون اساسی در ایران متأثر از قوانین اساسی بلژیک، فرانسه و اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط کمیسیونی در مجلس اول شورای ملی در سال ۱۲۸۵ وضع و تصویب شد (سلماسی‌زاده و نجفیان، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸). نویسندگان قانون اساسی مشروطه ماهیت بنیان مشروطه و حقوق بشر نوین از جمله مطبوعات را دریافته بودند (گرچی و مرادخانی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۲) و به‌صراحت در اصول سیزدهم و بیستم (متمم) قانون اساسی حقوقی را برای نشریات در نظر گرفتند. گرچه استثنائات موسعی نیز داشت. به‌موجب اصل سیزدهم: «روزنامه‌نویس حق حضور و استماع در جلسات علنی مجلس شورای ملی را دارند بدون اینکه حق نطق داشته باشند. تمام مذاکرات مجلس را روزنامه‌جات می‌توانند بطبع برسانند بدون تحریف و تغییر معنی تا عامه ناس از مباحث مذاکره و تفصیل گزارشات مطلع شوند هرکس صلاح‌اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامه عمومی برونگرد تا هیچ امری از امور در پرده و بر هیچ کس مستور نماند. لهذا عموم روزنامه‌جات مادامی که مندرجات آن‌ها محل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام‌المنفعه را همچنان مذاکرات مجلس و صلاح‌اندیشی خلق را بر آن مذاکرات بطبع رسانیده منتشر نمایند و اگر کسی رد روزنامه‌جات و مطبوعات خالف آنچه ذکر شد و به اغراض شخصی چیزی طبع نمایند یا تهمت و افتراء بزند قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد». همچنین طبق اصل بیستم محدوده‌های بیشتری به اقتضای شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوران بر مطبوعات تعیین گردید: «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آن‌ها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آن‌ها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند». اضافه‌براین، پس از تصویب قانون اساسی مشروطه، قوانین عادی مربوط به مطبوعات توسط مجلس شورای ملی وضع و تصویب شد (سعیدی و غفوریان نادرزاد، ۱۳۹۰، صص ۱۶۷-۱۶۵).

لکن با حرکت نوین‌یاد جدید انقلابی به سال ۱۳۵۸ نظام حقوقی - سیاسی جدیدی پایه‌گذاری شد که اصول پیشین و قوانین عادی مربوطه را درهم پیچید. باین‌حال، نظم حقوقی - سیاسی جدید همان حقوق اصلی مطبوعات را با اضافه‌کردن اصول و محتوای دیگر تصویب نمود و ادامه داد، بی‌آنکه جایگاه مطبوعات چندان دستخوش تغییرات بنیادین شود. نویسندگان و مقننان اساسی در ۱۳۵۸ بند دوم اصل سوم، اصول بیست و چهارم، بند یک چهل و چهار، یک‌صد و شصت و هفت و یک‌صد و هفتاد و پنج را به حقوق و جایگاه نشریات و رسانه‌های گروهی اختصاص دادند. از نظر این مقاله آنچه مهم است، شناخت نگرش‌های خبرگان قانون اساسی به ارزش و اهمیت رسانه‌ها و نیز حقوق آن‌ها است. تا حقوق‌دانان پی ببرند، اصولی که منتهی به تصویب جایگاه مطبوعات و حقوق رسانه‌ها در مجلس مؤسسان نوین شده بود، از منظر خبرگان قانون اساسی چه ارزشی داشته است. در حقیقت، در این نوشتار، انواع نگرش‌ها و دیدگاه‌های تقنینگران اساسی درباره رسانه‌ها تبیین خواهند شد تا از این مسیر، اضافه بر اینکه، درک صحیحی از اصول مرتبط با مطبوعات در قانون اساسی داشته باشیم، بتوانیم وضعیت امروزی رسانه‌ها را در عرف حقوق اساسی بهتر هضم کنیم. زیرا مشروح مذاکرات قانون اساسی از مهم‌ترین منابع تفسیری در جهت بررسی و شناخت محتوای قوانین اساسی به شمار می‌آیند. این نوع روش، روش تفسیر ژنتیک نامیده شده است (بابایی مهر، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲).

۱. مرور پیشینه پژوهش

شوربختانه سابقه پژوهش حاضر از جنبه منبع و محتوا بسیار فقیر و ضعیف است. تنها کار تحقیقی مخصوص در این باره، نگرشی بر جایگاه مطبوعات در مذاکرات مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی است (خلیلی، ۱۳۷۷، صص ۳۵۶-۳۴۲). مهم‌ترین وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیق مذکور در تحلیلی بودن آن است. پژوهش پیش رو برخلاف تحقیق قبلی که جنبه گزارش گونه دارد، حاوی سنخ‌شناسی گفتارهای خبرگان قانون اساسی در باب رسانه‌های

گروهی و مطبوعات است. بدین معنا که زوایا و مناظر فکری مقننان اساسی به رسانه‌ها تبیین، واکاوی و بازشناسی شده‌اند. البته این وجه تمایز نافعی ارزش علمی تحقیق مذکور نیست. خلأ مزبور در منابع مکتوب حقوق اساسی و ارتباطات معاصر، یکی از علل مؤثر تحریر این پژوهش توسط نویسندگان است. تحقیقات در این زمینه، فراتر از کار گزارشی محدود و بررسی قوانین اساسی و موضوعه فراتر نرفته است. در این راستا، پژوهش‌های زیر انجام شده است: محدودیت‌های آزادی بیان در تلویزیون از منظر اسناد حقوق بشری و حقوق موضوعه ایران (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵، صص ۱۷۷-۱۵۳). همچنین محدودیت‌های آزادی مطبوعات در نظام حقوقی ایران و انگلستان به طور تطبیقی قیاس شده است (مومنی راد و پتفت، ۱۳۹۲، صص ۱۰۶-۸۹). علاوه بر این، موضوع اخیر بین نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوقی ایران مورد پژوهش قرار گرفته (اجاق و اجاق، ۱۳۹۴، صص ۳۷-۲۰). امید است راقمان این سطور کوشش خود را در جهت گام‌های آغازین در قلمرو حقوق اساسی و ارتباطات ایران معاصر نشان داده باشند!

۲. روش پژوهش

در پژوهش پیش رو، نگارندگان با استمداد از روش تحلیلی - توصیفی، نخست پس از بررسی بعد تئوریک پژوهش که همان مبانی نظری ارزش رسانه‌ها و حقوق آن‌ها است، هفت نوع نگرش قانون‌گذاران اساسی را از دل صورت‌مجلس مشروح مذاکرات قانون اساسی ۱۳۵۸ استخراج و توصیف نموده‌اند. بر همین سیاق، نامی بر هر نوع نگرش نهاده‌اند و در آغاز هر نگرش توضیح مختصری از معنا و مفهوم آن‌ها برای فهم بهتر نگرش‌ها ارائه می‌شود. باین حال، وجه تسمیه هر نگرش از باب محتوای دیدگاه‌های گوناگون و متعدد و نیز غلبه معنایی و موضوعی آن‌ها

۱. شاید بی‌علت نباشد که حقوق ارتباطات به حقوق عمومی نزدیک شده است و این دو گرایش قادرند یکدیگر را تکمیل کنند و بعضی از رشته حقوق عمومی ارتباطات سخن گفته‌اند (منصوریان، ۱۳۹۰، ص ۲۰۱).

است که آن‌ها را از یکدیگر متمایز ساخته و بر سایر نگرش‌ها پرتو افکنده است. براین اساس، ممکن است بعضی از نگرش‌ها به علت ظرافت‌های خاص مفهومی، قرابت معنایی یا مصداقی با همدیگر داشته باشند. در ضمن افزودنی است که در این تحقیق، منظور از رسانه‌ها در مجلس خبرگان قانون اساسی، مطبوعات مکتوب و رادیو و تلویزیون است و قلمرو مصداقی آن‌ها دربرگیرنده رسانه‌های مدرن امروزی نیست. هرچند که از منظر تحلیل منطقی می‌توان سایر رسانه‌ها را در گستره مصداقی اصول مرتبط در قانون اساسی قلمداد کرد.

۳. مبانی نظری پژوهش

پیش از ورود به مبحث اصلی پژوهش، نیاز است، مبانی نظری و تئوریک رسانه‌ها که ارتباط منطقی با موضوع پژوهش دارند، تفکیک و تشریح شود. چرا که در خصوص این تحقیق اهمیتی دوچندان دارند. براین پایه، لازم است، رسمیت مدرن رسانه‌ها در جهان امروز، اصول و قواعد آن‌ها، کارکردهای گوناگون رسانه‌ها و استثناها و محدودیت‌های حاکم بر آن‌ها تبیین و بررسی گردد. در ادامه به توضیحاتی در این باره همت می‌گماریم.

۳-۱. به رسمیت شناختن رسانه‌ها در جهان نوین

در علم حقوق اساسی، حق‌ها و آزادی مطبوعاتی و انتشار رسانه‌ها جزئی از حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی و عنصری ساختاری و بنیادین در برابر قواعد و مقررات مربوط به تنظیم قدرت سیاسی قلمداد می‌شود (قاضی، ۱۳۸۳، صص ۵۶۴ و ۵۳۳). همچنین، در عهدنامه‌های بین‌المللی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق بر آزادی مطبوعات از حقوق بنیادین بشری محسوب می‌شود، به گونه‌ای که می‌توان این حق را سرچشمه آزادی‌های دیگر نظیر آزادی عقیده و بیان و دسترسی به اطلاعات به شمار آورد (خسروی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴). شاید بتوان از این قواعد مسلم و بدیهی فراتر رفت و

حقوق و آزادی‌های مطبوعات را از آثار قهری حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش به حساب آورد (دوتوکویل، ۱۳۹۳، ص ۲۳۷).

افزون بر این‌ها، رسمیت رسانه‌ها در دنیای امروز به میزانی اهمیت یافته است که رسانه‌ها بر سراسر زیست فردی و جامعه‌ی آدمیان سایه افکنده است. در حقیقت، زیست انسان‌ها به شدت زیر تأثیر رسانه‌ها قرار گرفته است. به تعبیری، نه تنها از جنبه فکری - فرهنگی هویت مردم تحت الشعاع رسانه‌ها قرار گرفته است، که از جنبه تجربی نیز علت عمده ایجاد مشارکت‌های عمومی سیاسی و همکاری‌های اجتماعی به کمک رسانه‌ها میسر می‌شود (عقیلی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۷). احتمالاً بر اساس همین رسمیت بود که مصوبان قانون اساسی به اهمیت و رسمیت روزافزون و تأثیرات غیرقابل اغماض آنها پی برده بودند. زیرا علاوه بر آنکه رسانه‌ها کمک شایانی به تحقق نظام نوپای جدید نمودند، مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی نیز بدین وسیله عمومیت می‌یافت.

۲-۳. تبیین اصول و قواعد رسانه‌ها

امروزه واژه رسانه از محدوده‌ی متون مکتوب و رادیو و تلویزیون گسترده‌تر شده است و وسایل ارتباطی مختلفی نوینی را نظیر سایت‌های اینترنتی، ماهواره، شبکه‌های متعدد اجتماعی و... را در برمی‌گیرد. همین امر، موجب شده حقوق رسانه نیز شتاب و توسعه بیشتری بگیرد (کری و ساندرز، ۱۳۸۶، صص ۱۹ و ۱۷). به نظر می‌رسد همین مسئله ضرورت اصلاح و بازنگری و جامعیت و به‌روز بودن قوانین بالادستی و عادی مطبوعاتی را دوچندان کرده است (اسماعیلی، ۱۳۹۴، ص ۲۰). با وجود اینها، حقوق رسانه‌ها بر پایه اصول و قواعدی استوار است. اصل انتشار آزادانه مطبوعات، حق دسترسی افراد به اطلاعات و اخبار و انتشارات رسانه‌ای، تأمین شرایط لازم دولت برای افراد در بهره‌مندی از آزادی‌های مطبوعاتی حتی‌الامکان، عدم مداخله دولت (به معنای عام) در استفاده شهروندان از آزادی مطبوعات، مسئولیت‌پذیر بودن و پاسخگو بودن رسانه‌ها و... (معتمدنژاد و معتمدنژاد، ۱۳۷۷، صص ۳۹ و ۲۵-۲۳).

متقابلاً حق پاسخگویی افراد در رسانه‌ها به‌عنوانی اصلی بنیادین در حقوق داخلی و بین‌المللی و نیز رویه‌های قضایی به رسمیت شناخته شده است. این حق ناشی از ضرورت حفظ و دفاع از حقوق دیگران و اصل بنیادین اولیه: حق آزادی بیان در رسانه‌ها می‌باشد (ضیایی و طباحی ممقانی، ۱۳۹۰، ص ۷۲). از دیگر قواعد بنیادین حاکم بر رسانه‌ها حفظ حق کرامت انسانی توسط دولت‌ها است. در این راستا از وظایف دولت‌ها، قانون‌گذاری در زمینه حقوق رسانه‌ها، ایجاد آموزش رسانه‌ای و فرهنگ سواد رسانه‌ای از طریق سازوکارهای دولتی و نظارت در چهارچوب حفظ حقوق و تکالیف رسانه‌ها محسوب می‌شود که اهمیتی راهبردی دارد (اسدی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۶۶). از سوی دیگر، روزنامه نگاران به‌عنوان افرادی مستقل از رسانه‌ها از حقوقی برخوردارند (اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰). باین‌حال، همان‌طور که خواهیم دید، گرچه بعضی از این حقوق به اجمال توسط خبرگان قانون اساسی نظیر حق آزادی بیان در مطبوعات وضع و تصویب شد لکن در مجلس خبرگان به حقوق خاص روزنامه نگاران اشاره‌ای نشد.

۳-۳. محدودیت‌های حاکم بر رسانه‌ها

با همه این آزادی‌ها و حقوقی که برای رسانه‌ها به رسمیت شناخته شده، محدودیت‌های اصولی و منطقی نیز بر آن‌ها الزام شده است و ممکن است حسب مورد مسئولیت کیفری یا مدنی برای رسانه‌ها در پی داشته باشد. لزوم حفظ اسرار حکومتی (البته نه به‌صورت مطلق و ابدی) و نیز پشتیبانی از حریم خصوصی افراد از جمله مواردی است که محدودیت‌ها و مسئولیت‌هایی در نظام حقوقی بسیاری از کشورها بر رسانه‌ها اعمال شده است (انصاری، ۱۳۸۷، صص ۱۹۹ و ۱۷۱). باین‌حال، مطابق قواعد بین‌المللی هرگونه اعمال محدودیت بر رسانه‌ها بایستی مطابق حاکمیت قانون، بدون تبعیض و در جامعه‌ای دموکراتیک اعمال گردد (اجاق و اجاق، ۱۳۹۴، صص ۳۳-۳۴).

۳-۴. کارکردهای متنوع رسانه‌ها

با وجود این محدودیت‌ها، بیان اهم کارکردهای رسانه‌ها در جهت شناخت بهتر آنان و جایگاه حقوقی آنان لازم و ضروری است. از یک منظر رسانه‌ها کارکردی سیاسی دارند. به این معنا که می‌توانند با نقد قدرت شخصی شده و فراقانونی از ظهور چنین قدرتی جلوگیری کنند. در واقع رسانه‌ها قادرند، از طریق نقد ساختاری قدرت و اشخاص حاکم چنین مهمی را محقق سازند. همچنین رسانه‌ها از این توانایی برخوردارند که زبان گویا و سخن آزاد احزاب و جریان‌های سیاسی در کسب قدرت باشند. همین کارکرد در کنار کارکرد رسانه‌های آزاد و مستقل به طور حقیقی، توسعه سیاسی جوامع را رقم می‌زند (خواجه سروی و سهراب زاده، ۱۳۹۶، صص ۹۵-۹۳). بر این مبنای شاید بیراه نباشد اگر ادعا شود، نظام‌های حقوقی و سیاسی زیر تأثیر جهانی شدن تا حدودی عملکردهای خود را شفاف نموده‌اند و تن به عملکرد - طبق قانون داده‌اند (معتد نژاد، ۱۳۹۸، صص ۲۸۶ و ۲۸۵). اضافه بر کارکرد سیاسی، از منظری دیگر، رسانه‌ها می‌توانند نقش خود را در نظارت بر دستگاه قضا نیز ایفا نمایند. دستگاه‌های قضایی باید از طریق اجرای علنی جلسات دادگاه‌ها و انتشار آزاد اطلاعات آرای محاکم از بروز فساد پیشگیری کند و علاوه بر اصلاح نظام قضایی در تحقق عدالت مؤثر واقع شود (جاوید و شاهمرادی، ۱۳۹۴، صص ۳۱ و ۳۰) شاید گزارف نباشد، چنانچه ادعا شود، منشأ و پایه اصلی این کارکردها است و مراجع قانون‌گذار با وضع قوانین لازم و جدید حقوق ارتباطات خویش را تقویت نموده‌اند (معتد نژاد، ۱۳۹۰، صص ۴۲ و ۴۱).

۴. تبیین سنخ‌شناسی نگرش خبرگان قانون اساسی ۱۳۵۸ به رسانه‌های جمعی

در مقاله حاضر با بررسی سه جلد مشروح مذاکرات قانون اساسی ۱۳۵۸ هفت نوع گرایش یا نگرش در باب ارزش رسانه‌ها و حقوق آن‌ها استخراج شده است. در واقع با نگاهی سراسرخوان در همه مذاکرات قانون اساسی که منتهی به تصویب اصول مربوط به رسانه‌ها شدند، دیدگاه‌های قانون‌گذاران اساسی نسبت به حقوق رسانه‌ها تبیین و جلوه نهایی هر نگرش در اصول مربوط نمایان می‌شوند.

۴-۱. نگرش ابزارگرای سودمند

در این نوع نگرش، رسانه‌ها جایگاهی ابزاری در راستای اهداف خاص یا آرمان-های سعادت‌مند بشری دارند. به تعبیری بهتر، رسانه‌ها وسیله‌ای هستند برای تحقق اهداف بحق و لازم انسانی یا خواسته‌های آرمانی. اصول پیش‌نویس و دیدگاه‌های زیر مویید این نوع نگرش هستند که در مجلس خبرگان متجلی شدند.

- با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌ها می‌توان سطح آگاهی‌های عمومی را بالا برد (بند دوم اصل چهارم پیش‌نویس ق.ا). به باور برخی از خبرگان بند فوق راهی است برای نیل به سعادت و عدالت و استقلال اجتماعی و سیاسی و علاوه بر آن که اندیشه‌هایمان صحیح خواهد بود، از کلیه وقایع متحقق در جهان آگاهی می‌یابیم.

- اصل پانزدهم پیشنهادی قرائت شده: در مطبوعات محلی استفاده از زبان‌های محلی مجاز است. در این پیشنهاد، ابراز گویش‌ها و زبان‌های محلی که برای ساکنان هر محل در راستای فراگیری گویش و زبان خویش می‌تواند مفید باشد، با استفاده از رسانه‌ها نشان داده شده است. پس از طرح این اصل، یکی از خبرگان، تکلیف انتشار سایر زبان‌ها مثل انگلیسی یا فرانسوی را در اصل مذکور توسط مطبوعات روشن ندانست که البته به اشاره وی در اصل مصوب نهایی پانزدهم توجهی نشد (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، صص ۵۷۴-۷۱-۲۸۵-۵۶).

- با طرح اصل یک‌صد و هفتاد و پنج (آزادی رادیو و تلویزیون) به گفته نایب‌رئیس مجلس خبرگان، رادیو و تلویزیون در اختیار شورای انقلاب است و هر کاری که به صلاح اسلام و انقلاب می‌داند، انجام دهد. در حقیقت، رادیو و تلویزیون در اختیار نهاد سیاسی - حقوقی جدید قرار دارد تا در راستای اهداف انقلاب و مصلحت آن تصمیماتی اتخاذ کند (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ص ۱۶۸۳). به بیانی بهتر، شورای انقلاب با استفاده از رسانه‌ها قادر است، در جهت اهداف سودمند انقلاب اسلامی، اقدامات و صلاحیدهای لازم را به منصفه ظهور برساند.

نگرش راهبردگرا پیش‌بینی کارکرد رسانه‌ها در اصول مربوطه را به‌مثابه راهبردی تلقی می‌کند که چهارچوب اولیه و خطوط کلی مدیریت کشور و حقوق و تکالیف حکومت و ملت را ترسیم و مشخص می‌کند. آرای زیر از نگرش راهبردی حکایت دارند.

- برخی از خبرگان، بند دوم اصل چهارم پیش‌نویس را همچون اصلی می‌دانند برای تعیین چهارچوب اداره کشور و بنیادهایی که مردم منتظر دانستن اصول مرتبط با آن‌ها هستند. بر همین مبنا است که بند مذکور راه کلی کشور را روشن می‌نماید. به عقیده برخی دیگر، بند دوم اصل چهارم پیش‌نویس آفریننده خطی‌مشی‌ای است که پایه‌های اصیل و برنامه‌ها و مسئولیت‌های مدیران آینده اداره کشور از آن‌ها الهام می‌گیرند (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ص ۲۸۷).

- یکی از خبرگان مجلس مؤسسان معتقد بود که اصل بیست و چهارم ق.ا (آزادی مطبوعات در بیان عقاید و مطالب مگر در موارد خاص) اصول کلی بعدی ق.ا را نمایان می‌سازد و هیچ‌گونه ابهام یا اجمالی در آن مشاهده نمی‌شود و همه موارد آن صحیح است (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ص ۶۴۷).

۳-۴. انواع نگرش‌های حق‌گرا

نگرش حق‌گرا حقوقی مطابق قواعد حقوق بشر برای رسانه‌ها به رسمیت می‌شناسد. حقوقی از قبیل آزادی بیان و انتشار و... لکن در این نوع نگرش، حق‌ها گستره مطلق ندارند. بلکه استثنائاتی بر آن حقوق تخصیص می‌زند. در این نوع نگرش همان‌طور که در پی می‌آید، گرایش‌های گوناگونی در مجلس خبرگان ق.ا به چشم می‌خورد که هر کدام از آنها با توجه به ماهیت هر گرایش، گستره استثنای حقوق رسانه‌ها را کاهش یا افزایش می‌دهد. همان‌طور که مشاهده خواهد شد، به‌طورکلی دو نوع نگرش حق‌گرا وجود دارد که هر نوع نگرش چندین بار به هنگام مذاکره بر سر اصول پیشنهادی مطرح شدند: حق‌گرای حداقلی که با تعیین گستره نسبتاً زیاد محدوده‌ها همراه است و حق‌گرای حداکثری.

۱-۳-۴. بررسی نگرش حق‌گرای حداقلی

- اصل بیست و چهارم پیشنهادی مطرح شده در مجلس خبرگان (اصلی که مباحث و اختلافات بسیاری در مجلس مؤسسان بر سر آن بود)، حق آزادی بیان مطالب و عقاید را به رسمیت می‌شناخت اما استثنائات این حق، دایره وسیعی داشت. به‌گونه‌ای که عفت عمومی - اهانت به شعائر و مقدسات دینی - افترا - تعرض به شرف و حیثیت اشخاص - نشر اکاذیب و ترویج فساد را در برمی‌گرفت. همان‌طور که اهل نظر واقف‌اند، استثنائات مذکور دامنه تفسیری و مصادیق بسیاری دارند و به همین سبب مجدداً اصل اخیر مورد بازبینی قرار گرفت و بعضی از استثنائات آن حذف شد. بعد از طرح اصل مزبور، برخی از خبرگان در مقام نقد به استثنائات گسترده این اصل، بر این باور بودند که اسلام اجازه ممنوعیت انتشار عقیده را نمی‌دهد و بر همین اساس، مسلمانان باید آزادی عقیده انسان‌ها را به رسمیت بشناسند مگر در مورد سه استثنا: توطئه، افساد و توهین (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، صص ۱۷۲۶-۷۲۱-۶۴۵).

۴-۳-۲. بررسی نگرش حق‌گرای حداکثری

- پاره‌ای از خبرگان، بر تفسیری بودن و هاله‌های ابهامی اصل بیست و چهارم آگاه بودند. به همین علت، این اصل را منتهی به استبداد و خفقان می‌دانستند. در این راستا، در چندین نوبت گفتگو و رأی‌گیری خواستار رفع ابهام یا حذف عبارات کش‌دار و تفسیر بردار اصل مذکور شدند. برخی دیگر، هرگونه نقد و تبلیغ را حتی اگر الحادی باشد، آزاد قلمداد می‌کردند مگر در موارد توطئه‌آمیز و براندازی. یکی از مقننان اساسی، آزادی موجود در این اصل را اساساً از جهت نفی و اثباتی زایل شده می‌دانست. برخی دیگر، فراتر می‌رفتند و اعتقاد داشتند که در این اصل اصلاً آزادی اعطا نشده است که تهدید گردد. بلکه از همان آغاز محدودسازی شده است. انتقادات بر اصل بیست و چهارم ادامه‌دار بود. در این بین، مقننانی هم بودند که از منطق و کار فرهنگی در اسلام سخن می‌گفتند و خشونت و سانسور و توقیف را در دین اسلام منتفی می‌پنداشتند. در منظومه فکری آنان، قهر با مطبوعات جایی نداشت و چون شرایط زندگی متفاوت شده است، تنها با

گفتگو و قلم است که می‌توان از رشد منکر پیشگیری کرد. در حقیقت، این مقننان اساسی باور داشتند که شأن اسلام در اعطای آزادی است. حاکمیتی که پذیرای نقادی نباشد، خفقان را مهیا خواهد کرد. به عقیده این قانون‌گذاران، ممنوعیت سبب‌ساز حریص شدن افراد می‌شود. اینان از شیوه برخورد حضرت علی (ع) با خوارج گواهی بر این برداشت از حق رسانه‌ها بیان می‌نمودند. قانون‌گذارانی نیز بودند که می‌گفتند: توقیف و سانسور را مطلقاً ممنوع کنیم و تنها استثنا مجازات اهانت کننده به موجب قانون باشد. این قانون‌گذاران اصل را بر آزادی حداکثری بنا می‌نهادند و تعیین جزئیات جرایم را به قانون عادی محول نمودند. در نهایت مذاکرات این اصل، برداشت اخیر با فصل الخطابی نایب‌رئیس به تصویب مقننان اساسی رسید. بر اساس اصل تصویبی: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند. مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد.^۱ تفصیل آن را قانون معین می‌کند (مشروح مذاکرات، ۱۳۵۴، صص ۱۷۲۹-۱۷۲۷-۱۷۳۱-۷۳۰-۷۲۸ و ۷۲۶-۷۲۴ و ۶۵۳-۶۴۸).

۴-۴. نگرش تحدیدگرا

باورمندان به نگرش تحدیدگرا بر پایه نظرات خاصی که بدان معتقدند، اصولاً آزادی رسانه‌ها را در شمار حقوق مندرج در قانون اساسی تلقی نمی‌کنند و به همین سبب، آزادی رسانه را امری استثنایی یا اساساً غیرقابل تحقق می‌دانند. تفاوت نگرش تحدیدگرا با حق‌گرای حداقلی در این است که نگرش اخیر دست-کم به آزادی رسانه‌ها و فعالیت در این عرصه در قالب حقوق بشر نگاه می‌کند اما

۱- در مشروح مذاکرات توضیح و تفسیری درباره این دو استثنا ابراز نشده است تا بطور دقیق مفهوم آن را دریابیم اما براساس برداشت برخی از حقوقدانان، منظور از مبانی اسلام، اصول دین اسلام است نه احکام اسلام. لکن اصطلاح حقوق عمومی محل بحث و اختلاف است (کاتوزیان، ۱۳۹۴، صص ۱۳۶-۱۳۵).

۲- قانونگذاران معتقد به آزادی اخلاقی با داوری ارزشی، برداشتی از آزادی افراد دارند که خوبی یا بدی آزادی آنان را معیار برخورداری شهروندان از حق‌ها و آزادی‌ها قرار می‌دهند. (مرکز، ۱۳۹۴، ص ۱۰۱).

نگرش تحدیدگرا اساساً در قالب حق و آزادی به رسانه‌ها نمی‌نگرد و گاه در مواردی استثنایی و محدود آن را می‌پذیرد.

- طرح اصل بیست و چهارم موجب شد که بعضی از تقنین‌گران، دیدگاه تحدیدگرای خویش را عیان نمایند. زیرا معتقد بودند، آزادی موجود در این اصل بایستی جهت‌دار باشد (باور به آزادی اخلاقی)^۲ و شروط و شرایط آن محدود و مقید باشد. برخی دیگر، دیدگاه خود را با رد کلی اصل مطروحه، صریح‌تر و عمیق‌تر نشان دادند. زیرا کلیه آزادی‌های مطبوعات بایستی منطبق با موازین اسلامی باشد و الا قابل قبول نیست. چه قانون باشد یا نباشد. بر همین پایه، نتیجه گرفتند که اصل بیست و چهارم مقبولیت ندارد. یکی دیگر از خبرگان، از وجود نشریات ضد اسلام احساس خطر می‌کرد. به همین علت، تنها بایستی با آنان در تلویزیون مناظره نمود اما اجازه انتشار کتاب و مطبوعات به آن‌ها سبب‌ساز گمراهی مردم می‌شود. خبرگانی هم بودند که از عواقب منفی سانسور مطبوعات آگاه بودند، اما چون جامعه ایران را عقب‌تر از غربی‌ها می‌دانست، بر این باور بود که با تحقق آزادی مطبوعات مردم گمراه و فریفته خواهند شد و در نهایت منجر به رواج بی‌دینی می‌شود (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، صص ۱۷۲۹ و ۷۲۴-۷۲۳ و ۶۴۵-۶۴۶).

۴-۵. نگرش حق‌گرای خاص

این نوع نگرش با رویکرد و نگاهی مثبت به مطبوعات، قائل به تحقق آئین دادرسی ویژه در مورد رسانه‌ها از منظر حساس بودن آن‌ها است. این نوع حقوق ویژه و خاص اهل رسانه است. علنی بودن آئین دادرسی و حضور هیئت منصفه هنگام رسیدگی به اتهامات مظنونان سیاسی و مطبوعاتی در همین راستا پیش‌بینی شده است که در عمل ممکن است دادرسی به نفع متهم تمام شود. چون‌که وجود هیئت منصفه و علنی بودن در راستای احقاق حق بهتر متهمان سیاسی و مطبوعاتی است. در این نگرش جرایم عمد و غیرعمد از همدیگر تفکیک نمی‌شوند و به اطلاق برای متهمان مقرر می‌گردند. به عبارتی دیگر، بدین علت که مطبوعات به‌عنوان

پدیده‌ای اجتماعی و سیاسی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است و نیز موقعیتی مضاعف در شکل‌گیری افکار عمومی داراست، مقررات مخصوص مطبوعاتی و رسیدگی مختص جزایی برای آن‌ها تعیین و تصویب می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۶، صص ۴۵۶-۴۵۴). شاهد دیدگاه اخیر، اختصاص اصلی ویژه به این موضوع توسط قانون‌نویسان اساسی و طرح و تصویب آن در مجلس خبرگان ق.ا است.^۱ به‌موجب اصل یک‌صد و شصت و هشتم پیشنهادی، رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی در محاکم دادگستری و با حضور هیئت منصفه صورت می‌گیرد.

اصل مذکور جهت بازنگری مجدداً به کمیسیون مربوطه بازگردانده شد و با تصریح به علنی بودن و تعیین شرایط و اختیارات هیئت منصفه و نحوه انتخاب آنان بر اساس موازین اسلامی توسط قانون اصلاح می‌شود. آن‌طور که از ظواهر جلسات علنی مجلس مؤسسان مشهود است، اصل مزبور مخالفی نداشته است و اغلب مباحثات پیرامون هیئت منصفه می‌چرخیده است. موافقان و مخالفان هیئت منصفه عمدتاً دو طیف بودند: برخی اعتقاد به ریشه و صبغه اسلامی برای هیئت منصفه داشتند. به باور اینان، اعضای هیئت منصفه از میان فضلا و اهل علم برگزیده می‌شوند و از اشتباهات قاضی جلوگیری می‌کنند و بر همین مبنا، وجود این هیئت شرعی و عقلی است و عده‌ای اساساً هیئت منصفه را اسلامی نمی‌دانستند و از سکوت در اسلام در این باره و ناسازگاری رسیدگی هیئت منصفه با استقلال قاضی و صدور حکم توسط او سخن می‌گفتند.^۲ در این بین، مقننانی پذیرش هیئت منصفه را مشروط به انتخاب آنان توسط ولی‌امر (رهبر) از میان مجتهدان قلمداد

۱- نگرش مزبور پیش از تصویب قانون اساسی ۱۳۵۸ در اصول سیزده قانون اساسی مشروطه و نیز اصول هفتاد و هفت و هفتاد و نهم متمم آن مقرر شده بود.

۲- سابقه قضاوت در اسلام حکایت از وجود تعدادی از علما و دانشمندان در جلسه دادرسی دارد اما این شیوه متمایز و متفاوت از نوع رسیدگی هیئت منصفه در دعاوی امروزی است (صبری، ۱۳۹۳، صص ۳۹-۳۸). بر این پایه، به نظر می‌رسد، برداشت خبرگان اخیر با سابقه قضاوت در اسلام مطابقت دارد.

می‌کردند.^۱ از سوی دیگر، بنا بر باور برخی از تقنینگران اساسی که رویکرد منفی - گرایانه‌تری ابراز می‌نمودند، حتی امتیاز وجود هیئت منصفه را برای متهمان مطبوعاتی و سیاسی رد می‌کردند چون ممکن است مسئله اسرار خارجی و امنیت ملی مطرح شود که این موضوع به ضرر مملکت است. دیدگاهی که البته توسط مقننان اساسی تصویب نگشت. در نهایت نظر نایب‌رئیس فصل‌الخطاب واقع شد. به بیان ایشان، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در صلاحیت دادگاه‌ها باشد لیکن تعیین جزئیات هیئت منصفه در آینده به‌وسیله قانون‌گذار عادی تصویب شود (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، صص ۱۶۸۱-۱۶۷۷).

- دلیل دیگری که موید نگرش مذکور در مشروح مذاکرات است، پاسخ نایب‌رئیس به یکی از قانون‌گذاران در پاسخ به ایراد عام‌الشمول بودن هیئت منصفه در کلیه دعاوی بود. ایشان پاسخ داد: در جرایم مطبوعاتی و سیاسی حضور هیئت منصفه را واجب می‌کنیم اما در سایر موارد مستحب (مشهدی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۴۷).

۴-۶. نگرش اداره‌ی حکومت‌محور

معتقدان نگرش نظارت‌ اداره حکومت‌محور، به ایجاد سازوکار اداره رسانه‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) باور دارند. این نوع نگرش در مشروح مذاکرات توسط قانون‌گذاران اساسی به دو گونه نظارت فنی و نظارت مداخله‌ای ابراز گردید و بر سر آن اختلاف نظرهایی وجود داشت. در این دیدگاه منظور از نظارت یکی از شئون اداره است که به‌وسیله مقننان اساسی بیان شد. با این حال، آن‌گونه که مقننان اساسی اذعان نمودند، نهایتاً نظارت فنی پذیرفته شد (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ص ۱۶۸۵). نظارت فنی، به امکان نظارتی از جنبه تکنیکی (تخصص رسانه‌ای و

۳- شیوه انتخاب اعضای هیئت منصفه معمولاً در اشکال مختلف به‌صورت انتخابی است. در نظام حقوقی ایران، انتخاب اعضای هیئت منصفه تشریفات ویژه‌ای دارد. شورایی متشکل از مقامات، نمایندگان از اصناف مختلف اجتماعی به تعداد لازم طبق قانون مطبوعات برمی‌گزینند (مشهدی و دیگران، ۱۳۹، ص ۵۰). اما در بعضی کشورهای آمریکای شمالی، توافق وکلای طرفین دعوی با کسانی که قبلاً براساس شرایط خاص بوسیله هرناحیه انتخاب شده‌اند، برگزیده می‌شوند (خامنه‌ای، ۱۳۴۲، صص ۱۱۶-۱۱۵).

حقوقی) بر رسانه‌ها نظر دارد. درحالی‌که نظارت مداخله‌ای باوری است که مداخله یا حضور مؤثر شخص یا اشخاصی بر رسانه‌ها در جهت اعمال تهدید لازم می‌داند. نخستین اصلی که در خصوص نگرش اداره حکومت محور به رسانه‌ها و دو نوع نگرش اداره‌ای فوق پیشنهاد شد، یکی از بندهای اصل چهل و چهار بود. اصل مزبور که طی چند جلسه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بارها به علت وجود اختلاف نظر بین خبرگان قانون اساسی درباره محتوای آن تغییر و اصلاح شد، بدین شکل قرائت شد: بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ و مادر ... و وسایل خطوط ارتباطی و... که به صورت مالکیت عمومی در دست دولت متمرکز است. همان‌طور که واضح است، در این بند اشاره‌ای به رسانه‌های گروهی نشده است. موضوعی که مورد اعتراض چند نفر از مقننان قرار گرفت. زیرا طبق پیش‌نویس قبلی عبارت رسانه‌های گروهی وجود داشته اما اکنون حذف شده است. به همین سبب، با تذکر آنان بند بدین صورت اصلاح شد: بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ و مادر و... و رادیو و تلویزیون و... به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، صص ۱۵۴۵-۱۵۳۷-۱۵۳۶). با این حال، می‌توان از اجمال آن مالکیت عمومی رسانه‌های گروهی را برداشت کرد. هنگامی‌که اصل پیشنهادی تغییر یافت، برخی از قانون‌گذاران معتقد بودند که وسایل ارتباط جمعی ابهام دارد. این ابهام با توضیح برخی دیگر رفع شد و مشخص گردید، منظور رادیو و تلویزیون است نه هر رسانه‌ای (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، صص ۱۵۳۷ و ۱۵۳۵).

به موجب اجمالی که در بند پیشین وجود داشت، رسانه‌های گروهی به صورت متمرکز در دست دولت است. مسئله‌ای که با ایراد یکی از خبرگان روبرو شد. وی خواستار آن بود که مالکیت دولت بر صنایع بزرگ (و رسانه‌های گروهی) به صورت عدم تمرکز باشد. زیرا این موضوع با اصول دیگر منافات دارد (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ص ۱۵۳۷).

عده‌ای دیگر از مقننان اساسی به اینکه رادیو و تلویزیون در اختیار دولت باشد، انتقاداتی وارد کردند. به باور ایشان، نباید رسانه‌های گروهی در اختیار دولت باشد

و ملت باید بتواند رادیو و تلویزیون مستقل داشته باشد (این دیدگاه می‌تواند با نگرش حق‌گرای حداکثری منطبق باشد). انتقادی که با مخالفت نایب‌رئیس مواجه شد. وی بر این باور بود ایجاد رسانه‌های گروهی نبایستی به‌سادگی کشورهای سرمایه‌داری باشد که با پول و آگهی تبلیغاتی و تجارتي اداره می‌شود. با وجود این، منتقد مذکور همچنان به باز بودن راه تأسیس رادیو و تلویزیون مستقل باورداشت (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، صص ۱۵۵۰-۱۵۴۹).

اضافه بر اینها، عده‌ای دیگر از خبرگان اعتقاد داشتند بند نخست اصل چهارم و چهار ادامه همان نظام سابق است و نظام انقلابی و جدیدی نیآورده‌ایم و از این منظر به بند مزبور ایراداتی وارد نمودند. این موضوع در مقام مخالفت با انتقاد مذکور مورد تأیید نایب‌رئیس قرار گرفت؛ اما با این تفاوت که به گفته ایشان در مقام عمل قضیه فرق می‌کند. با وجود این اختلاف دیدگاه‌ها، بند اخیر با پنجاه رأی موافق و یک رأی مخالف و شش رأی ممتنع به تصویب رسید (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، صص ۱۵۶۸-۱۵۶۱-۱۵۶۰).

آن‌طور که روشن است، اصل مذکور ناظر بر مالکیت اداره‌ای رسانه‌های گروهی است و نه حق ایجاد رسانه‌ها رأی افراد یا گروه‌های اجتماعی و سیاسی. چرا که این حق در سایر اصول به رسمیت شناخته شده است و در اصل چهارم و چهار مالکیت اداره‌ای دولت پیش‌بینی گردید و نه مالکیت شخصی دولت. در واقع این نوع مالکیت ناظر بر عموم است و نه ملک خصوصی. با این حال، شورای محترم نگهبان قانون اساسی در مقام تفسیر قانون اساسی تفسیری مضیق و برداشتی عام از اصل فوق ارائه داده است که رادیو و تلویزیون را تحت مالکیت انحصاری حکومت می‌داند و بدین اعتبار تاکنون رادیو و تلویزیون خصوصی را به رسمیت نشناخته است (هریسی نژاد، انصاری، ۱۳۹۳، ص ۲۸۱). به نظر می‌رسد، دیدگاه شورای محترم نگهبان متمایل به نگرشی در مجلس خبرگان قانون اساسی است که تأسیس رسانه‌های گروهی را به‌سادگی جایز نمی‌دانست. زیرا همان‌طور که شرح آن رفت، دیدگاه‌هایی نیز در مجلس مذکور ابراز شدند که معتقد به عدم

متمرکز دولت بر صنایع مادر و رسانه‌های گروهی و وجود تفاوت بین نظام سابق و نوین و نیز تعلق رسانه‌های گروهی مستقل به مردم بودند.

آخرین اصل پیشنهادی (یکصد و هفتاد و پنج) در خصوص رسانه‌ها در مجلس خبرگان قانون اساسی به نگرش اخیر اختصاص داشت. به موجب این اصل: در رسانه‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) آزادی انتشارات و تبلیغات طبق موازین اسلامی^۱ باید تأمین شود. این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه قضاییه (شورای عالی قضایی)، مقننه و مجریه اداره خواهد شد. ترتیب آن را قانون معین می‌کند. مطابق نص اصل مذکور، آزادی رسانه‌ها مطابق موازین اسلامی باید تأمین می‌شد (حق‌گرا) و شورای عالی قضایی، نظارتی مدیریتی بر آن اعمال می‌کند. در حقیقت با نظارت شورای عالی قضایی رادیو و تلویزیون اداره می‌شود نه نظارت فنی یا اصولی و کلی^۲. تقنینگران اساسی، مادامی که شور و مذاکره بر سر این اصل نمودند، عمدتاً به چهار طیف منقسم شدند (نظارت فنی و نظارت مداخله‌ای). موضوع اصلی اختلافات نه بر سر آزادی رسانه‌ها که درباره شیوه اداره یا نظارت بر آن‌ها بود. دیدگاه نخست، به نظارت مؤثر یا محدودساز باور داشت. مطابق این نگرش، تعدادی از خبرگان می‌گفتند: نماینده رهبری باید در رادیو و تلویزیون نظارت داشته باشد. برخی دیگر، نظیر رئیس مجلس مؤسسان، اعتقاد داشتند که فقها و طلاب بایستی در رادیو و تلویزیون حضور داشته باشند. چون علاوه بر آن که تبلیغات متعلق به روحانیون است، رسانه‌ها اجتماع را هدایت می‌کند و اجتماع و افکار اجتماع را می‌سازد. بر همین اساس، بایستی نماینده رهبر و مراجع تقلید

۱- طبق تحقیقات برخی از محققان، هرچند که موازین اسلامی قیدی مجمل است اما مطابق نظریه تفسیری شورای نگهبان قانون اساسی که رسمیت دارد، منظور از موازین اسلامی کلیه احکام اولیه و ثانویه اسلامی است و حتی هنجارهای برتر دیگری نظیر احکام حکومتی نیز می‌شود (اسماعیلی و امینی‌پژوه، ۱۳۹۴، ص ۹).

۲- تصریح به اصل ۱۷۵ اصلاحی در سال ۱۳۶۸ نیز یادکردنی است. زیرا اداره و نظارت از همدیگر تفکیک شده‌اند. مطابق این اصل، رادیو و تلویزیون با رئیس این سازمان که منصوب رهبری است، اداره می‌شود. اما نظارت بر آن در صلاحیت شورایی متشکل از نمایندگان قوای سه‌گانه است.

در رسانه‌ها حضور داشته باشند. طیف دیگر، به وجود نظارت و نه اداره و نیز اداره فنی توسط نمایندگان مردم (قوه مقننه و مجریه) باور داشت. طیف اخیر، گرچه نظارت فنی را لازم می‌دانست اما حضور فقها و نماینده رهبر را در امر رسانه‌ها ضروری نمی‌دید و معتقد بود که وظایف رهبری از طریق مجاری پیش-بینی شده در ق.ا محقق خواهد شد. در این چهارچوب، بایستی خطوط صداوسیما را باید بر کارمندان رادیو و تلویزیون تعیین و ترسیم کرد (در همه موسسات) تا اگر می‌توانند همکاری کنند و گرنه اجباری نیست. طیف دیگری نیز حضور نماینده رهبر و نمایندگان دولت را در رسانه‌ها لازم می‌انگاشت لکن بدین علت که رادیو و تلویزیون موسسه‌ای به شمار می‌رود که متعلق به همه گروه‌ها است. طیف چهارم، اساساً به وجود هیچ‌گونه نظارتی باور نداشت. چرا که این نوع اداره رسانه‌ها ملی و مردم نیست و در هیچ‌جای دنیا وجود ندارد (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، صص ۱۶۸۶-۱۶۸۳).

۴-۷. نگرش تلفیقی

محتوای نگرش تلفیقی همان‌طور که خواهیم دید، آمیخته‌ای است از دو نوع از نگرش‌های فوق. بدین معنا که گفتارهای ابراز شده در این نوع نگرش، به طور مطلق یک نگرش خالص از موارد یاد شده نیستند، بلکه تلفیقی از دو گرایش از برداشت‌های نمایندگان مؤسس درباره حقوق رسانه‌ها در قالب یک دیدگاه (بعضاً با غلبه گرایشی بر گرایش دیگر) در مجلس خبرگان ق.ا بیان شدند.

- طرح دومین اصلاحیه اصل بیست و چهارم پیشنهادی، تلفیقی از نگرش حق‌گرا و ابزارگرای سودمند بود. مطابق این اصل، بیان و نشر افکار و عقاید و مطالب از طریق مطبوعات، سینما، تئاتر، نوار و رسانه‌های گروهی در جهت خدمت به فرهنگ جامعه و تنویر افکار و انتقادات سازنده (ابزارگرای سودمند) آزاد است (نگرش حق‌گرا). بمانند مذاکرات قبلی، هنگام رأی‌گیری درباره اصل بیست و چهارم نظرات اختلافی مقننان آشکار شد. عده‌ای از آنان، تلفیقی از نگرش حق‌گرا و تحدیدگرا (با غلبه نگاه محدودساز) اظهار نمودند. به عقیده آنان، اگر آزادی مطبوعات مطلق باشد (پذیرش آزادی نسبی مطبوعات)، گروه‌های ضاله

مجاز خواهند شد که مردم را گمراه کنند (نگرش تحدیدگرا). در این راستا، برخی بر این باور بودند که بایستی با اتخاذ روشی خاص از توطئه و تحریک مردم علیه حکومت جلوگیری کرد (نگرش تحدیدگرا). اضافه بر این، اصل یکصد و هفتاد و پنج پیشنهادی تلفیقی از نگرش حق‌گرا و اداره حکومت‌محور بود. (در اداره حکومت‌محور به نظارت کلی یا فنی اکتفا می‌شود و ناظران در اداره رسانه‌ها مداخله مدیریتی خواهند داشت) بر اساس اصل اخیر، در رسانه‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) آزادی انتشارات و تبلیغات طبق موازین اسلامی باید تأمین شود (نگرش حق‌گرا به صورت تکلیفی). این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه قضاییه (شورای عالی قضایی)، مقننه و مجریه اداره خواهد شد. (نگرش نظارت مدیریتی) ترتیب آن را قانون معین می‌کند (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، صص ۱۶۸۲ و ۷۲۲ و ۶۴۵).

- مقدمه ق.ا که بدون هیچ‌گونه اختلافی در آخرین جلسه مشروح مذاکرات (شصت و هفتم) به تصویب رسید، حاوی تلفیقی از گرایش‌های ابزاری، حق‌گرا، تحدیدگرا، راهبردی بود. مقدمه ق.ا توانست چندین گرایش متضاد و ناموزون را در خود جای دهد تا تصویری تمام‌عیار و تمام‌نما از مذاکرات گوناگون و متفاوت خبرگان ق.ا به دست دهد. زیرا از طریق تشریح و شناخت مقدمه قانون اساسی می‌توان مراد اصولی و راهبردی قانون‌گذار اساسی را در مورد رسانه‌ها کشف و تفسیر کرد. چون که مقدمه قانون اساسی تنها دارای ارزش تاریخی نیست بلکه از جنبه حقوقی نیز بهره‌مند است (کعبی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۳). آن‌طور که از ظاهر بخش وسایل ارتباط جمعی آشکار است، منظور از وسایل ارتباط جمعی، رادیو و تلویزیون مقرر در اصل یکصد و هفتاد و پنجم است. مطابق این بخش، وسایل ارتباط جمعی (رادیو - تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی (راهبردی) در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید (ابزارگرا) و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضداسلامی جداً پرهیز کند. (تحدیدگرا) پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت انبای بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه

رشد و تکامل انسان را می‌گشاید، برعهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند (حق‌گرای حداکثری) به امید این‌که در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد، موفق گردد.

نتیجه‌گیری

۱- حق‌ها و آزادی‌های مطبوعاتی و انتشار رسانه‌ها جزئی از پیکره حقوق اساسی (حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی) شمرده می‌شود. حقوق و آزادی‌های مطبوعات را می‌توان سرچشمه آزادی‌های دیگر نظیر آزادی عقیده و بیان و دسترسی به اطلاعات به شمار آورد. بدین اعتبار، تحلیل و سنخ‌شناسی دیدگاه‌های مقننان اساسی ۱۳۵۸ به رسانه‌ها از منظر حقوق اساسی و ارتباطات اهمیت فراوانی دارد.

۲- خبرگان قانون اساسی ۱۳۵۸ منادی نظم حقوقی - سیاسی نوین‌یادی بودند که با رد نظام حقوقی - سیاسی پیشین (مشروطه) علاوه بر آن که نمی‌خواستند حقوق رسانه‌ها را رد کنند، با توجه به ماهیت حرکت انقلابی نوپا نیز نمی‌توانستند حقوق مطبوعات را پس زنند. (خلیلی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۴) لکن در این مسیر جدید، اضافه بر اینکه حقوق مطبوعات و نشریات را صراحتاً در ق.ا پیش‌بینی نمودند، از رادیو و تلویزیون نیز در جهت اهداف و آرمان‌های آرمانی و متعالی خویش بهره بردند.

۳- گرایش‌های ابراز شده در مجلس مؤسسان به اصول متعدد ق.ا منتهی شدند که بدین صورت رخ نمودند: گرایش ابزارگرای سودمند در مقدمه، بند اخیر اصل پانزدهم و بند دوم اصل سوم، گرایش حق‌گرای حداکثری در مقدمه و اصول ۲۴ و ۱۷۵، اداره حکومت‌محور در بند یک اصل ۴۴ و ۱۷۵، نگرش راهبردی در مقدمه و نگرش حق‌گرای خاص در اصل ۱۶۸، اما سایر گرایش‌ها در متن ق.ا به‌منصه ظهور نرسیدند. بدین ترتیب، به‌رغم وجود نگرش‌های ناسازگار با یکدیگر در مجلس خبرگان قانون اساسی، به‌استثنای نگرش تحدیدگرا، نگرش‌های

گوناگون مقننان اساسی که در متن مصوب قانون اساسی جلوه‌گر شدند، بدین قرار است:

مقدمه: وسائل ارتباط جمعی (راديو - تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد (راهبردی) و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره‌جویند (ابزارگرایی سودمند) و از اشاعه و ترویج خصالت‌های تخریبی و ضداسلامی جداً پرهیز کند (تحدیدگرا). پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید برعهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند. (حق‌گرای حداکثری).

بند دوم اصل سوم: بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌های با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر (ابزارگرایی سودمند).

بند اخیر اصل پانزدهم: استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است (ابزارگرایی سودمند).

اصل بیست و چهارم: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند. مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند (حق‌گرای حداکثری).

بند نخست اصل چهل و چهارم: بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، ...، رادیو و تلویزیون، ... و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است (اداره حکومت‌محور).

اصل یکصد و شصت و هشت: رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه

انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند (حق‌گرای خاص).

اصل یکصد و هفتاد و پنج: در رسانه‌های گروهی (راديو و تلویزیون) آزادی انتشارات و تبلیغات طبق موازین اسلامی باید تأمین شود. (حق‌گرای حداکثری) این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه قضاییه (شورای عالی قضایی)، مقننه و مجریه اداره خواهد شد (اداره حکومت‌محور). ترتیب آن را قانون معین می‌کند.

۴- به‌رغم پذیرش جایگاه، حقوق و آزادی‌های مطبوعات در قانون اساسی، به سبب ماهیت خاص دینی نظام حقوقی - سیاسی نوین در سال ۱۳۵۸ ارزش و جایگاه مطبوعات و رسانه‌های گروهی نیز واجد خصوصیت ارزشی و اخلاقی گشت. به‌خصوص این جنبه در نگرش ابزارگرای سودمند و استثنای آزادی رسانه‌ها (مخل به مبانی اسلام و موازین اسلامی) نمایان شد. بر مبنای همین ماهیت خاص، ارزش، جایگاه و حقوق رسانه‌ها، در مقدمه و اصول قانون اساسی دارای خصلتِ خالص مبتنی بر حقوق بشر در مفهوم مدرن آن منعکس نگشته است.

۵- با وجود آنکه به جایگاه مطبوعات و رسانه‌های گروهی در مجلس مؤسسان اهمیت فراوانی داده شد اما به حقوق و امتیازات روزنامه‌نگاران و اهالی رسانه اشاره‌ای نگردیده است. شاید عدم اشاره مذکور بدین سبب بود که خبرگان قانون اساسی با تصریح به حقوق رسانه‌ها به‌طور کلی، حقوق و امتیازات اهالی رسانه را مفروض انگاشته بودند یا می‌توان عدم پیش‌بینی حقوق روزنامه‌نگاران را ناشی از برخی نگرش‌های مقننان اساسی نظیر نگرش ابزارگرای سودمند یا اداره حکومت-محور دانست.

۶- از آنجاکه متن مشروح مذاکرات اصلی دارای ارزش تفسیری و استنادی بالایی برای مراجع قانونی و قضایی خصوصاً شورای نگهبان قانون اساسی و نیز قضات مراجع قضایی است، از منظر منطق حقوقی و ارزش رسانه‌ها در جهان امروز بهتر آن است که نهادهای مذکور در آرا و تصمیمات خویش دیدگاه‌های گوناگون خبرگان ۱۳۵۸ را در باب رسانه‌ها مورد مذاقه و تحلیل قرار داده تا اضافه بر آنکه حقوق رسانه‌ها بازشناسی می‌شود، جایگاه و کارکرد حقوقی و نوین آن‌ها به منصفه ظهور برسد.

کتابنامه

- انصاری، باقر (۱۳۸۷). آزادی اطلاعات. تهران: دادگستر.
- اجاق، سیده زهرا، و اجاق، سیده فاطمه (۱۳۹۴). «محدودیت های آزادی مطبوعات؛ نظام بین المللی حقوق بشر و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران». *مجله جهانی رسانه*، دوره ۱۰ (۱)، صص ۲۰-۳۷.
- اسدی، عباس و بابازاده مقدم، حامد و سلمان پور، امیر (۱۳۹۵). «تعهدات دولت ها برای تأمین و تضمین حق کرامت انسانی در رسانه‌ها». *علوم خبری*، سال ۵ (۲۰)، صص ۱۶۹-۱۴۸.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۹). «آزادی اطلاعات و حقوق خبرنگاران». در *مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات*، (صص ۱۷۳-۱۶۷)، تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر و انجمن علمی و دانشجویی حقوق دانشگاه تهران.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۹۴). «حقوق مطبوعات؛ چالش های امروز و نیازهای فردا». *رسانه*، دوره ۲۶ (۳)، صص ۷-۲۴.
- اسماعیلی، محسن و امینی پژوه، حسین (۱۳۹۴). «معناشناسی برخی از هنجارهای اسلامی در قانون اساسی با محوریت مفهوم موازین اسلامی». *دانش حقوق عمومی*، دوره ۱۴ (۱۱)، صص ۱-۲۴.
- بابایی مهر، علی (۱۳۸۸). «تفسیر، اصول و مبانی آن در حقوق عمومی». *حقوق خصوصی*، دوره ۶ (۱۴)، صص ۱۹۶-۱۶۷.
- جاوید، محمدجواد و شاهمرادی، عصمت (۱۳۹۴). «تعهد رسانه در قبال شفافیت قضایی». *پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۱۷ (۴۷)، ۹-۳۳.
- خامنه‌ای، مهین‌دخت (۱۳۴۲). «هیئت منصفه در دادگاههای امریکای شمالی». *کانون وکلا*، شماره ۸۶، صص ۱۱۱-۱۲۷.
- خواجه سروی، غلامرضا و سهراب زاده، عباس (۱۳۹۶). «رسانه و شخصیت زادی قدرت». *پژوهش های راهبردی سیاست*، دوره ۶ (۲۲)، صص ۹۶-۶۹.
- خسروی، حسن و زمانه قدیم، نوید و باقری حامد، یوسف (۱۳۹۵). «حق بر آزادی مطبوعات در پرتو آموزه های حقوق بشر». *اخلاق زیستی*، دوره ۶ (۲۱)، صص ۱۵۶-۱۳۵.
- خلیلی، محسن (۱۳۷۷). «نگرشی بر جایگاه مطبوعات در مذاکرات مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی ایران». در *بررسی مطبوعات ایران*. مقاله منتشر شده در *مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران*، (صص ۳۵۶-۳۴۲). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- دوتوکویل، آلکس (۱۳۹۳). تحلیل دموکراسی در آمریکا. (رحمت الله مقدم مراغه‌ای: مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سعیدی، رحمان، غفوریان نادرنژاد، محمد محسن (۱۳۹۰). تحولات نظام حقوقی مطبوعات در ایران؛ از ابتدای پیدایش تا پیش از کودتای اسفند ۱۲۹۹. پژوهش حقوق، سال ۱۳ (۳۵)، صص ۱۸۲-۱۵۹.
- سلماسی زاده، محمد و نژد نجفیان محمد محسن (۱۳۹۱). «مجلس اول شورای ملی و تلاش برای تبیین حقوق اساسی». تاریخ اسلام و ایران. دوره ۲۲ (۱۴)، صص ۱۲۸-۹۵.
- صبری، نور محمد (۱۳۹۳). هیئت منصفه (مطالعه تطبیقی). تهران: میزان.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴). جلد اول و سوم. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- ضیایی، سید یاسر و طباحی ممقانی، جواد (۱۳۹۰). «حق پاسنگویی در رسانه از منظر حقوق بین الملل و حقوق ایران». پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵ (۴)، صص ۷۶-۵۷.
- عقیلی، سید وحید (۱۳۹۷). «نقش رسانه‌های نوین در توسعه سیاسی کشورهای جهان سوم». توسعه اجتماعی، دوره ۱۲ (۳)، صص ۲۴۶-۲۳۵.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). گامی به سوی عدالت. (جلد اول). تهران: میزان.
- کری؛ پیتر، ساندرز؛ جو (۱۳۸۶). حقوق رسانه. (حمیدرضا ملک محمدی: مترجم). تهران: میزان.
- کعبی، عباس و اصغری شورستانی محمد رضا و اصل زعیم و امیرحسین (۱۳۹۳). «نقش مقدمه‌ی قانون اساسی در تفسیر اصول و شناخت اهداف و رسالت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». دانش حقوق عمومی، دوره ۳ (۱۰)، صص ۱۹-۱.
- گرجی از ندرینی، علی اکبر و مرادخانی، فردین (۱۳۹۲). «تکوین مفهوم قانون اساسی در انقلاب مشروطیت». مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۳ (۴)، صص ۱۸۴-۱۶۵.
- مرکز مالگیری، احمد (۱۳۹۴). حاکمیت قانون؛ مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- معمدنژاد، کاظم و معتمدنژاد، رؤیا (۱۳۷۷). «ارکان حقوقی آزادی مطبوعات (اصل انتشار آزادانه مطبوعات و استثناءها و محدودیت‌های آن)». رسانه، دوره نهم (۲)، صص ۴۳-۲۲.
- معمدنژاد، کاظم (۱۳۹۰). «تحولات مبانی حقوقی آزادی رسانه‌ها در عرصه‌های ملی منطقه ای و بین المللی». پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۳ (۳۵)، صص ۴۴-۱.
- معمدنژاد، رؤیا (۱۳۹۸). «اصول بنیادی حقوق جهانی ارتباطات: میراث مشترک». پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۱ (۶۲)، صص ۲۹۷-۲۶۱.

- مشهدی، علی و انصاری، اسماعیل و قورچی بیگی، مجید (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی جایگاه هیئت منصفه در حقوق ایران و سایر کشورها». اطلاع‌رسانی حقوقی، دوره ۶ (۲۲ و ۲۱)، صص ۶۰-۳۹.
- منصوریان، ناصر علی (۱۳۹۰). «حقوق عمومی ارتباطات؛ عرصه ای بین رشته ای». پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۱۳ (۳۵)، صص ۲۰۴-۱۸۳.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد ۲). تهران: میزان.
- هریسی نژاد، کمال‌الدین و انصاری پور، مریم (۱۳۹۳). «تحلیل موضع نظام حقوقی ایران در قبال رادیو و تلویزیون خصوصی و چالش‌های فرا راه آن». مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۴ (۲)، صص ۲۹۱-۲۷۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی